

بررسی نظرات دانشجویان پزشکی مقطع بالینی

دانشگاه علوم پزشکی قزوین نسبت به کاربرد دروس علوم پایه

دکتر غلامرضا حسن زاده* محمود علیپور حیدری**

چکیده:

زمینه: دانشجویان به عنوان آینده سازان جامعه می توانند نظرات ارزشمندی در خصوص برنامه های آموزش و تأثیر آنها بر فرآیند یادگیری ارائه دهند.

هدف: هدف از انجام این تحقیق بررسی نظرات دانشجویان مقطع بالینی نسبت به کاربرد دروس علوم پایه می باشد.

مواد و روش کار: در این تحقیق ۲۰۵ نفر از دانشجویان مقطع بالینی پرسشنامه تهیه شده را تکمیل نمودند. اطلاعات این پرسشنامه ها استخراج گردید و دروس علوم پایه در سه گروه با کاربرد زیاد، متوسط و کم تقسیم بندی شدند.

یافته ها: دروس فیزیولوژی، باکتری شناسی و آناتومی تنه به عقیده دانشجویان دارای بیشترین کاربرد و دروسی نظیر فیزیک پزشکی و بیوشیمی ساختمانی دارای کمترین کاربرد بودند. دروس نظری - عملی، نسبت به دروس نظری نمرات بیشتری کسب نمودند.

نتیجه گیری: با توجه به نیازهای آینده پزشکان، لازم است تغییراتی در برنامه ریزی آموزشی انجام گیرد.

کلید واژه ها: علوم پایه - دانشجویان پزشکی - کارآموزان - کارورزان

Keywords: Basic Science, Medical Students, Stagers, Interns

□ مقدمه :

دروس توجه نموده و نمره صفر تا چهار را برای کاربرد آن در نظر بگیرند. یعنی اگر درسی بیشترین کاربرد را در مقطع بالینی دارد به آن نمره چهار و اگر هیچ کاربردی ندارد به آن نمره صفر بدهند. قبل از تکمیل پرسشنامه، هدف از انجام تحقیق و نحوه پاسخگویی در گروه‌های کوچک به طور شفاهی شرح داده شد و سپس دانشجویان به تکمیل پرسشنامه پرداختند.

در این تحقیق ۲۰۵ دانشجوی پرسشنامه‌ها را تکمیل نموده و سپس میانگین نمره هر درس توسط رایانه مشخص گردید. دروسی که بیش از ۷۵ درصد نمره را گرفته بودند (بدین معنی که میانگین نمره آنها بیش از ۳ بود)، در گروه با کاربرد زیاد قرار گرفتند. دروسی که بین ۵۰ تا ۷۵ درصد نمره را کسب کرده بودند (بدین معنی که میانگین نمره آنها بین ۲ تا ۳ بود)، در گروه با کاربرد متوسط قرار گرفتند و گروهی که بین ۲۵ تا ۵۰ درصد نمره را کسب کرده بودند (بدین معنی که میانگین نمره آنها بین ۱ تا ۲ بود)، در گروه با کاربرد کم قرار گرفتند.

□ یافته‌ها :

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که به نظر دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین دروس فیزیولوژی، باکتری‌شناسی و آناتومی تنه با کسب میانگین‌های ۸۱/۲۵٪، ۸۱٪ و ۷۹/۵٪ به ترتیب به عنوان دروسی هستند که کاربرد زیادی در مقطع بالینی دارند.

دروس زبان تخصصی، ویروس‌شناسی، آناتومی اندام، آناتومی سر و گردن، انگل‌شناسی، ایمنی‌شناسی، پاتولوژی، نورواناتومی، روانشناسی، قارچ‌شناسی و

در عصر جدید هر روز شاهد دگرگونی‌های اساسی در مراکز آموزشی هستیم.^(۵) یکی از ارکان مراکز آموزش عالی دانشجویان هستند که می‌توانند با نظرات ارزشمند خود راهگشای مشکلات موجود باشند.^(۱) برای تربیت پزشکانی که نیازهای جامعه را درک کنند و بتوانند مشکلات موجود را حل نمایند تغییرات قابل توجهی در برنامه‌های آموزشی دانشکده‌های پزشکی انجام شده که قسمتی از این تغییرات با هماهنگی دانشجویان بوده است.^(۳)

دوره پزشکی عمومی در کشور ما از چهار مرحله تشکیل شده است که عبارتند از: مقطع علوم پایه، مقطع فیزیوپاتولوژی، مقطع کارآموزی و مقطع کارورزی. مقطع علوم پایه که معمولاً در پنج نیمسال تحصیلی تدریس می‌گردد، به عقیده برخی از دانشجویان مشکل‌ترین مقطع است. زیرا کاربرد این مقطع برای دانشجویان کاملاً روشن نیست و سوالات متعددی در خصوص علت وجود چنین مقطعی ذکر می‌گردد. از اینرو بر آن شدیم که نظرات دانشجویان پزشکی مقطع بالینی (کارآموزی و کارورزی) را در خصوص کاربرد دروس علوم پایه در فعالیتهای آنها جویا شویم.

□ مواد و روش‌ها :

این پژوهش در سال ۱۳۷۷ انجام گرفت و پرسشنامه‌ای تهیه شد که در آن نام دروس مختلف علوم پایه به تفکیک نوشته شده بود. سپس از دانشجویان پزشکی مقطع بالینی (دانشجویان ورودی سال‌های ۷۰ تا ۷۳) خواسته شد بدون در نظر گرفتن شرایط فیزیکی و استاد مربوطه صرفاً به محتوای

۳۰٪، ۳۳٪، ۳۳٪/۷۵، ۲۸٪/۷۵ و ۲۷٪/۵ به ترتیب دروسی هستند که کاربرد کمی در مقطع بالینی دارند (جدول شماره ۱).

نتایج فوق نشان می‌دهند دروسی که به صورت نظری و عملی ارائه می‌شوند عمدتاً نمره بیشتری نسبت به دروسی که صرفاً تئوری هستند کسب کرده‌اند. به طوری که میانگین نمره داده شده به دروس نظری و عملی ۲/۷ از ۱۴ است در حالی که میانگین نمره دروس تئوری ۱/۸ از ۴ است.

بهداشت با کسب میانگین‌های ۷۰٪، ۷۰٪/۷۵، ۶۷٪/۵، ۶۶٪/۲۵، ۶۳٪، ۵۹٪/۷۵، ۵۸٪/۲۵، ۵۷٪/۷۵، ۵۴٪/۲۵، ۵۱٪/۵، ۵۰٪/۲۵ به ترتیب دروسی هستند که کاربرد متوسطی در مقطع بالینی دارند.

دروس اپیدمیولوژی، بیوشیمی متابولیسم، ژنتیک، تغذیه، بافت‌شناسی، حشره‌شناسی، جنین‌شناسی، فیزیکی پزشکی و بیوشیمی ساختمانی با کسب میانگین‌های ۴۸٪، ۴۱٪/۷۵، ۳۴٪/۷۵، ۴۰٪/۷۵،

جدول ۱:

میانگین نمره داده شده به دروس مختلف علوم پایه توسط دانشجویان مقطع بالینی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

نام درس	میانگین نمره از چهار	درصد نمره	نام درس	میانگین نمره از چهار	درصد نمره
فیزیولوژی	۳/۲۵	۸۱/۲۵	قارچ شناسی	۲/۰۶	۵۱/۵
باکتری‌شناسی	۳/۲۴	۸۱	بهداشت	۲/۰۱	۵۰/۲۵
آناتومی تنه	۳/۱۸	۷۹/۵	اپیدمیولوژی	۱/۹۲	۴۸
زبان تخصصی	۲/۸۳	۷۰/۷۵	بیوشیمی متابولیسم	۱/۷۹	۴۴/۷۵
ویروس شناسی	۲/۸	۷۰	ژنتیک	۱/۶۷	۴۱/۷۵
آناتومی اندام	۲/۷	۶۷/۵	تغذیه	۱/۶۳	۴۰/۷۵
آناتومی سر و گردن	۲/۶۵	۶۶/۲۵	بافت شناسی	۱/۶	۴۰
انگل شناسی	۲/۵۲	۶۳	حشره شناسی	۱/۳۶	۳۴
ایمنی شناسی	۲/۳۹	۵۹/۷۵	جنین شناسی	۱/۳۵	۳۳/۷۵
پاتولوژی	۲/۳۳	۵۸/۲۵	فیزیکی پزشکی	۱/۱۵	۲۸/۷۵
نور و آناتومی	۲/۳	۵۷/۷۵	بیوشیمی ساختمانی	۱/۱	۲۷/۵
روانشناسی	۲/۱۷	۵۴/۲۵			

□ بحث و نتیجه‌گیری :

از نتایج فوق مشخص می‌شود که نظرات دانشجویان پزشکی مقطع بالینی نسبت به کاربرد دروس علوم پایه متفاوت است. این نظرات شاید به دلیل فاصله زمانی نسبتاً طولانی بین ارایه دروس علوم پایه و بالینی، محتوای نامناسب دروس علوم پایه و یا عدم ارایه کاربردهای دروس علوم پایه در هنگام تدریس این مقطع توسط استادان باشد.

امروزه برای حل مشکلات فوق دانشگاه‌های مختلف تغییراتی را در سیستم ارایه دروس اجرا کرده‌اند. (۶) به عنوان مثال دانشگاه نیوکاسل در استرالیا در زمینه ادغام علوم پایه و بالینی فعالیت‌هایی را انجام داده است و یا دانشگاه ماستریخت هلند جهت حل مشکلات مربوط به ارایه دروس علوم پایه این دروس را به صورت بلوک‌های مشخصی که در آنها دروس مختلف علوم پایه با یکدیگر ادغام شده‌اند، طراحی نموده و آنها را با روش یادگیری بر مبنای حل مسئله (Problem Based Learning) ارایه می‌کند. (۴)

توجه به نیازهای آینده پزشکان می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آینده و ایجاد تغییراتی در برنامه‌ریزی آموزشی به ما کمک کند. (۳) در چنین شرایطی می‌توان یک برنامه‌ریزی مدون و مبتنی بر نیازهای جامعه تنظیم نمود. (۲) در حال حاضر دقیقاً مشخص نیست که تدریس دروس علوم پایه با شیوه فعلی جوابگوی مشکلات آینده دانشجویان پزشکی خواهد بود؟

لذا پیشنهاد می‌شود برای آنکه دانشجویان پزشکی دچار سردرگمی نشوند و اهمیت و کاربرد دروس علوم پایه را نیز بیشتر درک نمایند، این دروس به صورت ادغام شده با دروس بالینی تدریس شوند و کاربرد آنها توسط متخصصین بالینی و پایه توضیح داده شود.

□ سپاسگزاری :

بدین وسیله از آقایان دکتر محمد حیاتی، دکتر ابوالقاسم تختی و دکتر محمد رضا کاوه که در انجام این تحقیق ما را یاری نمودند تشکر و قدردانی می‌گردد.

□ مراجع :

- ۱- یوسفی، علیرضا. نقش دانشجویان در امر یادگیری برای دستیابی به توانایی‌های لازم. پژوهاک (ویژه نامه سمینار کشوری تعلیم و تربیت در گروه پزشکی) دانشگاه علوم پزشکی ایران. ۱۳۷۳، صفحه ۵۲.
2. Bandranayke R. , *How to plan a medical curriculum* , *Medical teacher*. 1985 ; Vol 7(1) : 7-13.
3. Bligh J. *Identifying the core curriculum*. *Medical teacher*. 1995 ; Vol 17(4) : 383-90.
4. Harden R.M. & Davis M.H. *AMEE Medical education Guide*. *Medical teacher*. 1995 Vol 17(2) : 125-48.
5. Kaufman A. , etal. *The New Mexico Experiment ; Educational innovation and institutional change*. *Academic Medicine*. 1989 June ; 285-94.
6. Mennin S.P. & Kaufman A. *The change process and Medical Education*. *Medical teacher*. 1989 ; Vol 17 , No (1) : 9-16.